



در حوزه عرفان کم کار کرده ایم / شاخص های عرفانی امیرالمؤمنین (ع)

نشست «بررسی شاخص های عرفانی امیرالمؤمنین علی (ع) و بازتاب آن در آراء امام خمینی (ره)» روز ۲۲ خرداد در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با سخنرانی همایون همتی برگزار گردید.

نشست «بررسی شاخص های عرفانی امیرالمؤمنین علی (ع) و بازتاب آن در آراء امام خمینی (ره)»؛ روز ۲۲ خرداد در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با سخنرانی همایون همتی برگزار گردید.

وی در ابتدای صحبت های خود گفت: همان طور که مرحوم دکتر شهیدی هم گفته بودند محتاج ویرایش علمی از متن نهج البلاغه هستیم. سید رضی مجموعه ای از سخنان امام علی (ع) را به سلیقه خود گزینش کرده است اما سخنان مولا علی چندین برابر نهج البلاغه است. جمع آوری تمامی گفته های امام علی (ع) نیازمند کار گروهی و عظیمی است که ان شا الله مجموعه هایی همچون پژوهشگاه علوم انسانی در این زمینه اقداماتی انجام دهند. مقایسه عرفان مولا علی (ع) با عرفان مسیحی، بودایی و عرفان های نوظهور نیز کار لازمی است که باید انجام بگیرد. همچنین در بحث عرفان حضرت امام هم کار درستی نشده است. به جز چند پایان نامه و چند مقاله محدود و چند کنگره که به صورت شتاب آلود و سطحی به این مسأله می پردازند که به هیچ عنوان کافی نیست.

همتی افزود: ما در حوزه عرفان بسیار کم کار کرده ایم در حالی که در کشورهای غربی رشته هایی مانند روانشناسی عرفان، فلسفه عرفان، تاریخ عرفان، پدیدارشناسی عرفان، عرفان تطبیقی و مقایسه ای در دنیا وجود دارد. مثلاً ۳ نمط آخر اشارات مربوط به فلسفه عرفان است. حتی عرفان از منظر نورو ساینس و نورو تئولوژی امروز در دنیا مورد توجه است. در دانشگاه آکسفورد و کمبریج و ... به طور عمیق به این رشته پرداخته می شود و دایره المعارف های متعددی جمع آوری نموده اند. تنها کتاب قابل توجه ترجمه شده در ایران روانشناسی دین دیوید وولف است که پیشنهاد ترجمه اش به من شد اما فرصت نکردم و نهایتاً آقای دهقانی انجام دادند. حتی کارهای تاریخ عرفان نیز در ایران خیلی علمی و دانشگاهی نیست. حتی کارهای دکتر زرین کوب و شفيعی کدکنی که بهتر از بقیه آثار است خیلی جامع و شایسته نیست.

وی در ادامه با بیان این نکته که خیلی ها امام خمینی را رهبر سیاسی می دانند نه عارف افزود: این دیدگاه موجب حجاب فهم و شناخت صحیح از امام می شود. تعریف امام از عرفان که در چند جا ارائه کرده است همان تعریف قیصری در شرح فصوص است. امام خمینی در نامه به عروسش می نویسد: موضوع فلسفه، مطلق وجود است از حق تعالی تا آخرین مراتب تشکیکی وجود و موضوع علم عرفان و عرفان علمی وجود مطلق است. در این جا تعابیر علم عرفان و عرفان علمی از سوی امام مطرح می شود که قابل توجه است. قیصری هم در رسائل قیصری و هم در شرح و مقدمه ای که بر فصوص الحکم این عربی نوشته است می گوید: عرفان شناخت خداوند است، اما چون ذات خدا نامتناهی است و اطلاق و گستره دارد، به لحاظ سعه مصداقی و انبساط، فراگیرندگی اش به ذهن نمی آید که نه در ادراک فیلسوف می گنجد و نه در شهود عارف. لذاست که خدا را از حیث تجلیاتش یعنی افعال و آثار و جلوه هایش می شناسند. فلسفه علمی با واسطه است و عرفان بلافاصله. فلسفه با ذهن کار می کند و عرفان با دل. فلسفه با تعین سر و کار دارد. اما عرفان علم حضوری است که برتراند راسل در گفته هایش اشاره ای به علم حضوری دارد. امام خمینی در تعلیقات بر شرح فصوص الحکم نیز عرفان را این گونه تعریف می کند: موضوع عرفان حق تعالی و صفات اوست، نه ذات، چون عقل و حتی شهود به آن راه ندارند. علی (ع) نیز چنین تعبیری را دارند که می فرمایند: غواصان نیز در بحر ذات غرق می شوند. حافظ هم در این باره می گوید:

آشنایان ره عشق در این بحر عمیق غرقه گشتند و نگشتند به آب آلوده

همتی در ادامه گفت: چارچوب عرفان امام خمینی همان عرفان ابن عربی است که در شرح دعای سحر و تعلیقات بر فصوص از عرفان ابن عربی سخن می گوید. نکته جالب اینجاست که امام خمینی ۱۱۶ مورد اشکال به ابن عربی وارد می کند که در آن زمان کمتر از ۳۰ سال داشته است. امام در عرفان عملی تابع ۴ اصل است که در حدیث اول کتاب چهل حدیث می آورد. اصل اول مشارطه است یعنی شرط گذاشتن با خود. اصل دوم مراقبه که همان کنترل نفس است. اصل سوم محاسبه است. به معنی حساب کشی از اعمال و افکار هر روز در آخر شب. اصل چهارم نیز مواخذه است که یعنی در صورت خطا و گناه خود را تنبیه کردن. هر کدام از این مراحل نیز ۴ مرحله دارد.

وی در ادامه اظهار داشت: حضرت علی (ع) در خطبه توحید (عرفان نظری) و خطبه متقین (عرفان عملی) به این نکات پرداخته اند. متقین یعنی همان عرفا. وقتی عرفا چرک بدن را از خود دور می کنند و این مسأله برایشان ملکه می گردد و از شواغل حسیه خود را مجرد می کنند در نتیجه مرغ جانشان به سمت قدس طیران می کند و بالاترین مرحله لذت را احساس می کنند. حضرت علی (ع) می فرماید: متقین گویی بهشت و جهنم را می بینند در نتیجه به پست و مقام و مسایل دنیوی اعتنا نمی کنند بلکه این ها را حجاب می بینند. امام خمینی در جایی می گوید: نمی دانم چه کسی عاقم نمود که بعد از ۴۲ با شروع نهضت و مبارزات درگیر عالم کثرت شدم. با اینکه مبارزه او مبارزه الهی بود اما می گوید دنیا عاقم کرد. حضرت علی (ع) همچنین می فرماید: متقین به درجه ای از تقوا می رسند که اگر نبود آن اجل معین و مرگ به خودشان واگذار می شد لحظه ای از شوق لقای خدا تاب نمی آوردند و روح از بدنشان جدا می شد.

همتی در انتهای صحبت های خود گفت: نمی خواهم بگویم علی (ع) فقط عارف بوده است. او یک رهبر، مجاهد، خطیب و سخنور، سیاستمدار، قاضی و ... نیز بوده است.